

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



ازدواج و تربیت نسل

بر اساس تفسیر نور

رمضان ۱۴۳۷

فهرست موضوعات

- ۱- تاکید بر ازدواج و حیاى مجردان ۱
- ۲-خواستگارى و ازدواج دختر شعیب..... ۷
- ۳-ایمان و زیبایی در ازدواج..... ۱۱
- ۴-ازدواج با اهل کتاب ۱۳
- ۵-ازدواج با همسر سابق ۱۶
- ۶-تشبیه همسر به لباس ۱۸
- ۷-آرامش، مودت و رحمت ۲۲
- ۸-اوصاف زنان شایسته ۲۴
- ۹-آسیه، زن نمونه ۲۶
- ۱۰-حضرت مریم، الگوی پاکدامنی ۳۰
- ۱۱-عصمت و پاکدامنی حضرت یوسف..... ۳۲
- ۱۲-وظایف هریک از همسران ۳۴
- ۱۳-خوشرفتاری با همسر ۳۸
- ۱۴- حیا در خانواده ۴۰
- ۱۵- دادگاه خانواده ۴۲
- ۱۶- نجات خانواده از آتش جهنم ۴۵
- ۱۷- اهتمام به تقوamداری همسر و فرزندان ۵۰
- ۱۸- تربیت صحیح فرزند ۵۲
- ۱۹- سفارش لقمان به فرزندش ۵۴
- ۲۰- احترام والدین ۵۶

۱- تاکید بر ازدواج و حیاى مجردان

وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ
 «۳۲» وَ لَيْسَتَعَفِيفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ... «۳۳»

پسران و دختران بی همسر و غلامان و کنیزان شایسته (ازدواج) خود را همسر دهید. اگر تنگدست باشند، خداوند از فضل خود بی نیازشان می گرداند و خداوند، گشایشگر داناست. و کسانی که (وسیله‌ی) ازدواج نمی یابند، پاکدامنی و عفت پیشه کنند، تا آن که خداوند از کرم خویش، آنان را بی نیاز نماید...

نکته‌ها:

«ایامی» جمع «ایم»، بر وزن «قیّم»، یعنی کسی که همسر ندارد، خواه مرد باشد یا زن، باکره باشد یا بیوه. بهترین واسطه‌گری‌ها، شفاعت و واسطه‌گری در امر ازدواج است. چنانکه در روایت آمده است: کسی که دیگری را داماد یا عروس کند، در سایه‌ی عرش خداست! پدر و مادری که با داشتن امکانات، فرزندشان را همسر نمی دهند، اگر فرزند مرتکب گناه شود، والدین در گناه او شریک هستند.^۱

ازدواج در اسلام

اسلام ازدواج را امری مقدس می داند، بر خلاف مسیحیت که مجرد بودن را ارزش می داند و لذا پاپ و روحانیون مسیحی نباید ازدواج کنند و جواز ازدواج برای مسیحیان بخاطر جلوگیری از فساد بیشتر و به اصطلاح دفع افسد به فاسد است.

درباره‌ی ازدواج، روایات بسیاری آمده است که به چند مورد آن اشاره می کنیم:

* امام صادق علیه السلام فرمود: توسعه‌ی زندگی، در سایه‌ی ازدواج است.

* کسی که از ترس فقر ازدواج نکند، به خداوند سوءظن برده است.

^۱ تفسیر نورالتقلین.

^۲ تفسیر مجمع‌البیان.

* دورکعت نماز کسی که همسر دارد، بهتر از هفتاد رکعت نماز کسی است که همسر ندارد!

فوائد ازدواج

۱. انس و آرامش



قرآن می فرماید:

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً»

از نشانه‌های خدا آن است که از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در نزد آنان آرامش یابید و میان شما مودت و رحمت قرار داد.

یکی از نیازهای بشر انس و الفت است و لذا تنهایی برای او دشوار است و نیاز به کسی دارد که امین و غم خوار و مهربان و رازدار او باشد تا با او انس بگیرد و عشقش را خالصانه نثار او کند. بهترین فردی که می‌تواند این نیاز را تامین کند همسر است، چه زن و چه شوهر. قرآن از میان فوائد بسیار ازدواج، تنها این مورد را نام برده که معلوم می‌شود مهم‌ترین فائده است.

۲. حفظ عفت و مصونیت از گناه

رسول خدا صلی الله علیه و آله در یک روایت فرمود: «من تزوج فقد أحرز نصف دينه» هر کس ازدواج کند نیمی از دینش را حفظ کرده است. و در روایتی دیگر فرمود: «من أحب أن يلقى الله طاهراً مطهراً فليلقاه بزوجة» هر که دوست دارد در قیامت خدا را پاک و پاکیزه ملاقات کند همسر اختیار کند.

۳. سلامتی جسم و روان

^۱مجموعه روایات از تفسیر نورالثقلین می‌باشد.

^۲روم، ۲۱.

^۳کافی، ج ۵، ص ۳۲۸.

^۴النوادر راوندی، ص ۱۲.

۲. اخلاق خوب و خوش

امام رضا علیه السلام در جواب یکی از یارانش که نوشته بود قصد ازدواج با کسی را دارم که خوش اخلاق نیست، فرمودند: اگر بد اخلاق است با او ازدواج نکن!

اخلاق در زندگی باعث شیرینی زندگی و رشد خانواده می شود. اموری همچون: راستگویی، امانتداری، خوش زبانی، خیرخواهی، گذشت و ایثار، بردباری، وظیفه شناسی، نجابت، کم توقعی، نرم خوئی، و ... امتیازات یک انسان است که اسلام به آنها اهمیت داده است.

۳. اصالت خانوادگی

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «أیها الناس ایاکم و خضراء الدمن. قیل یا رسول الله و ما خضراء الدمن؟ قال: المرأة الحسنة فی منبت السوء»؛ مردم از سبزه‌هایی که بر زباله می‌روید بپرهیزید. گفتند: یا رسول الله مراد چیست؟ فرمود: زنان زیبارویی که در خانواده‌ای ناپاک روئیده‌اند.

۴. سواد و تحصیلات

علم و دانش برای انسان یک کمال و برای همسر یک مزیت است. با فرد باسواد زودتر می‌شود به تفاهم رسید و برنامه‌های بهتری برای آینده ریخت. البته هر باسوادی، باتدبیر نیست. متأسفانه مدارس و دانشگاه‌ها در کشور ما درس زندگی نمی‌دهند.

۵. سلامت جسم

سلامت جسم از نعمتهای بزرگ الهی و از مزایای یک همسر است. در روایت است با کسانی که بیماریهای مسری دارند ازدواج نکنید. البته ازدواج با اینارگران جانباز، لیاقت و شایستگی و از خودگذشتگی می‌خواهد.

۶. تناسب سنی

انسان در سنین مختلف حالات متفاوت دارد. تمایلات جنسی نیز در هر سنی یکسان نیست، پس باید بین سن دختر و پسر تفاوت فاحش نباشد، که زندگی را با مشکلاتی روبرو می‌کند.

^۱ کافی، ج ۵، ص ۵۶۳.

^۲ کافی ج ۵ ص ۳۳۲.

نکته:

ابتدا باید به هر کس که می‌تواند سفارش کرد ازدواج کند، سپس به غیر متأهلان سفارش عفت و پاکدامنی نمود. (آیه «وَأَنْكِحُوا» قبل از آیه «وَلَيْسَتَعْفِی» آمده است)

چنانکه در روایات آمده است: در جاهلیت، کنیزان را برای کسب درآمد به فحشا وادار می‌کردند. لذا خداوند می‌فرماید: به جای آنکه کنیزان را به گناه وادار کنید، زمینه ازدواج آنان را فراهم سازید.

پیام‌ها:

- ۱- خانواده و جامعه، مسئول ازدواج افراد بی‌همسر است. «وَأَنْكِحُوا»
- ۲- ازدواج در اسلام، امری مقدس و مورد تأکید است. «وَأَنْكِحُوا»
- ۳- لازم نیست خواستگاری، از طرف خاصی باشد، هر یک از طرفین ازدواج می‌توانند پیشقدم شوند. «وَأَنْكِحُوا»
- ۴- تنها سفارش به ترک نگاه حرام، کافی نیست، برای ازدواج جوانان باید اقدام کرد. «يَعُضُّوا، يَعْضُّنَ، أَنْكِحُوا»
- ۵- زنان بیوه را همسر دهید. «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى» («ایامی»، شامل آنان نیز می‌شود).
- ۶- داشتن صلاحیت، شرط ازدواج است. «وَالصَّالِحِينَ» (یعنی باید طرفین صلاحیت اداره زندگی مشترک را داشته باشند).
- ۷- اقدام جامعه برای عروس و داماد کردن افراد صالح، تشویقی است که جوانان لایبالی و هرزه نیز خود را در مدار صالحان قرار دهند. وَالصَّالِحِينَ ... (بنا بر این که مراد از صلاحیت، صلاحیت اخلاقی و مکتبی باشد).
- ۸- در تأمین نیازهای جنسی، فرقی میان انسان‌ها نیست. (زن، مرد، غلام و کنیز) «مِنْكُمْ، عِبَادِكُمْ، إِمَائِكُمْ»
- ۹- فقر، نباید مانع اقدام در امر ازدواج شود. إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ ...
- ۱۰- در صورت فقر، به ازدواج اقدام کنید و بر خدا توکل نمایید. «يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ»
- ۱۱- فقر، برای عروس و داماد عیب نیست. إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ ...

۱۲- خداوند، تأمین زندگی عروس و داماد را وعده داده است و ازدواج، وسیله وسعت و برکت زندگی است. «يُغْنِيهِمُ اللَّهُ»

۱۳- تحقق وعده‌های الهی از سرچشمه‌ی فضل بی پایان اوست. «فَضْلِهِ - وَاسِعٌ»

۱۴- رشد و توسعه‌ای که خداوند نصیب بندگانش می‌فرماید، بر اساس علم و حکمت اوست. «وَاسِعٌ عَلِيمٌ»

۱۵- دسترسی نداشتن به همسر، مجوز گناه نیست، صبر و عفت لازم است. «وَلَيْسَتَّعْفِيفٌ»

۱۶- هر کجا احساس خطر بیشتر باشد، سفارش مخصوص لازم است. «وَلَيْسَتَّعْفِيفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا» (چون افراد غیر متأهل بیشتر از دیگران در معرض فحشا و منکر هستند، خداوند در فرمان به عفت، آنان را مخاطب قرار داده است)

۱۷- جوانان بخاطر امکانات ازدواج، به سراغ تهیه‌ی مال از راه حرام نروند و عفت و تقوا از خود نشان دهند. «حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»

۱۸- در حفظ عفت و پاکدامنی عمومی، هم باید جوانان خود را حفظ کنند، «وَلَيْسَتَّعْفِيفِ»، هم خانواده و حکومت قیام کند «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى»، و هم ثروتمندان جامعه به پاخیزند. «وَأَتَوْهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ»

۲-خواستگاری و ازدواج دختر شعیب

قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَنْكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حِجَجٍ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ^۱

(حضرت شعیب به موسی) گفت: من قصد دارم تا یکی از این دو دخترم را به همسری تو درآورم بر این (شرط) که هشت سال برای من کار کنی و اگر (این مدت را) به ده سال تمام کردی، پس (بسته به خواست و محبت) از ناحیه توست و من نمی‌خواهم که بر تو سخت گیرم، بزودی به خواست خداوند، مرا از صالحان خواهی یافت.

پیام‌ها:

۱- اگر کاری بر اساس جوانمردی و ضعیف‌نوازی انجام شود، علاوه بر اجر معنوی، پاداش دنیوی نیز بدنبال دارد. «قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَنْكِحَكَ» (حضرت موسی که تا ساعاتی پیش حتی بر جان خود ایمن نبود، اینک علاوه بر امنیت جانی، صاحب زن و زندگی و کار می‌شود).

۲- سنت‌های خوب ازدواج (همچون حضور در منزل دختر و گفتگو با حضور پدرش) را از انبیا بیاموزیم. «إِنْ أَبِي يَدْعُوكَ - إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَنْكِحَكَ»

۳- شناخت داماد پیش از اقدام به ازدواج، امری ضروری است. «فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقِصَصَ - قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَنْكِحَكَ» (موسی سرگذشت خود را صادقانه به شعیب گفت و او به موسی اطمینان پیدا کرد، آنگاه پیشنهاد دامادی او را برای دخترش مطرح نمود).

۴- اگر از امین بودن، توانایی و علاقه‌مندی به کار جوان مطمئن شدیم «الْقَوِيُّ الْأَمِينُ» نداشتن امکانات و مسکن را مانع ازدواج قرار ندهیم. «أُرِيدُ أَنْ أَنْكِحَكَ»

۵- پیشنهاد ازدواج از جانب پدر دختر مانعی ندارد. «إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَنْكِحَكَ»

۶- رعایت نوبت میان دختران، و ازدواج دختر بزرگتر قبل از کوچکتر، همه‌جا ضروری نیست. «إِحْدَى ابْنَتَيَّ» (حضرت شعیب به حضرت موسی گفت:

^۱ قصص، ۲۷.

می‌خواهم یکی از این دو دخترم را به ازدواج تو درآورم و شرط نکرد که دختر اول باشد یا دوم.

۷- پدر نباید در امر ازدواج میان دختران، تفاوت بگذارد. «إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ»

۸- دختر و پسر هنگام خواستگاری، می‌توانند در برابر یکدیگر قرار بگیرند. «هَاتَيْنِ»

۹- غریزه‌ی جنسی را جدی بگیریم. حتی در خانه‌ی نبوت، برای سلامت محیط خانه و کار، ابتدا به امر ازدواج اقدام و سپس به استخدام توجه می‌شود. «أَرِيدُ أَنْ أُنكِحَكَ - عَلَيَّ أَنْ تَأْجُرَنِي»

۱۰- لازم نیست مهریه مال و ثروت باشد. حضرت شعیب به موسی گفت: دخترم را به ازدواج تو درمی‌آورم به شرط آن که هشت سال برای من کار کنی. «عَلَيَّ أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِي حِجَجٍ» (البته در شریعت اسلام می‌بایست به فتاوی مراجع تقلید مراجعه کنیم).

۱۱- هنگام صحبت برای مهریه، پدر عروس، حداقل مورد قبول را انتخاب کند و پذیرش بیشتر را به اختیار داماد بگذارد. «فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ» حضرت شعیب به موسی گفت: اگر هشت سال را به ده سال برسانی اختیار با شماست.

۱۲- در میزان مهریه، داماد را در تنگنا قرار ندهید. «فَمِنْ عِنْدِكَ»

۱۳- پدر عروس در امر ازدواج سخت‌گیری نکند و در پرداخت مهریه، توان داماد را در نظر بگیرد. «مَا أَرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ»

۱۴- کسانی که به کارگران و زبردستان خود سخت‌گیری می‌کنند، انسان‌هایی ناصالح هستند. «سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ»

۱۵- داماد باید از ناحیه‌ی بستگان جدید، آرامش خاطر داشته باشد. «سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ»

۱۶- بدون استمداد از خدا و گفتن انشاء الله، برای آینده وعده‌ای ندهیم. «إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ»

۱۷- اعتماد متقابل داماد و خانواده‌ی عروس لازم است. «سَتَجِدُنِي ... مِنَ الصَّالِحِينَ»

اهمیت ازدواج

در روایات می‌خوانیم: ازدواج سبب حفظ نیمی از دین است. دو رکعت نماز کسی که همسر دارد از هفتاد رکعت نماز افراد غیر متأهل بهتر است. خواب افراد متأهل از روزه شب‌زنده‌دار غیر متأهل، بهتر است.^۱

آری بر خلاف کسانی که ازدواج را عامل فقر می‌پندارند، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: ازدواج روزی را بیشتر می‌کند.

همچنین فرمودند: «کسی که از ترس تنگدستی ازدواج را ترک کند، از ما نیست و به خدا سوءظن برده است».

در روایات می‌خوانیم: «کسی که برای ازدواج برادران دینی خود اقدامی کند، در روز قیامت مورد لطف خاص خداوند قرار می‌گیرد».

قرآن نسبت به تشکیل خانواده و اقدام برای ازدواج، دستور اکید داده^۲ و سفارش کرده که از فقر نترسید، اگر تنگ دست باشند، خداوند از فضل و کرم خود، شما را بی‌نیاز خواهد کرد.^۳

ازدواج وسیله‌ی آرامش است.^۴ در ازدواج فامیل‌ها به هم نزدیک شده و دل‌ها مهربان می‌شود و زمینه‌ی تربیت نسل پاک و روحیه‌ی تعاون فراهم می‌شود.^۵

در روایات می‌خوانیم: «برای ازدواج عجله کنید و دختری که وقت ازدواج او فرا رسیده، مثل میوه‌ای رسیده است که اگر از درخت جدا نشود فاسد می‌شود».

^۱ میزان الحکمه.

^۲ میزان الحکمه.

^۳ کافی، ج ۵، ص ۳۳۱.

^۴ نور، ۳۲.

^۵ نور، ۳۲.

^۶ روم، ۲۱.

^۷ میزان الحکمه.

^۸ میزان الحکمه.

انتخاب همسر

معیار انتخاب همسر در نزد مردم معمولاً چند چیز است: ثروت، زیبایی، حَسَب و نَسَب.

ولی در حدیث می‌خوانیم: «علیک بذات الدین» تو در انتخاب همسر، محور را عقیده و تفکر و بینش او قرار ده.

در حدیث دیگر می‌خوانیم: چه بسا زیبایی که سبب هلاکت و ثروت که سبب طغیان باشد.^۱

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هرگاه کسی به خواستگاری دختر شما آمد که دین و امانت‌داری او را پسندید، جواب ردّ ندهید و گرنه به فتنه و فساد بزرگی مبتلا می‌شوید».

امام حسن علیه السلام به کسی که برای ازدواج دخترش مشورت می‌کرد فرمود: «داماد با تقوا انتخاب کن که اگر دخترت را دوست داشته باشد گرامیش می‌دارد و اگر دوستش نداشته باشد، به خاطر تقوایی که دارد به او ظلم نمی‌کند».

در روایات می‌خوانیم: «به افرادی که اهل مشروبات الکلی هستند و افراد بداخلاق و کسانی که خط فکری سالمی ندارند و در خانوادهای فاسد رشد کرده‌اند، دختر ندهید».

ناگفته نماند که ازدواج دو نوع است: دائم و موقت که برای هر دو در قرآن و روایات اسلامی توصیه‌ها و دستورات خاصی آمده است، متأسفانه ازدواج دائم، به خاطر برخی آداب و رسوم بی‌منطق و بهانه‌گیری بعضی بستگان و توقعات خانواده عروس و داماد و آرزوهای دور و دراز، به صورت یک معما و گردنه‌ی صعب العبور در آمده است و ازدواج موقت نیز آن گونه زشت و ناپسند شمرده شده که فحشا جای آن را گرفته است.

^۱ کنز العمال، ج ۴۶۶۰۲.

^۲ میزان الحکمه.

^۳ بحار، ج ۱۰۳، ص ۳۷۲.

^۴ مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۴۴۶.

^۵ میزان الحکمه.

- ۵- به ضعیفان و محرومان با ایمان بهاداده و با آنان ازدواج کنید. «لَأَمَّةٌ مُؤْمِنَةٌ ... لَعَبْدٌ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ»
- ۶- غرائز باید در مسیر مکتب کنترل شود. «حَتَّى يُؤْمِنَ ... حَتَّى يُؤْمِنُوا»
- ۷- ایمان مایه‌ی ارزش است، گرچه در بنده و کنیز باشد و شرک رمز سقوط است، گرچه در حر و آزاد باشد. «لَأَمَّةٌ مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ»
- ۸- پدر، حق ولایت بر ازدواج دخترش دارد. در مسئله داماد گرفتن، به پدر خطاب می‌کند که دختر خود را به مشرکان ندهید. «لَا تَنْكِحُوا»
- ۹- اول ایمان، بعد ازدواج. فکر نکنید شاید بعد از ازدواج ایمان بیآورند. «حَتَّى يُؤْمِنَ ... حَتَّى يُؤْمِنُوا»
- ۱۰- از نفوذ عوامل مشرک در تاروپود زندگی مسلمانان، جلوگیری کنید و توجه به خطرات مختلف این نوع ازدواج‌ها داشته باشید. «أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ»
- ۱۱- همسر مشرک، زمینه ساز جهنم است. «يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ»
- ۱۲- عمل به دستورات الهی، راه رسیدن به بهشت است. «وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَى الْجَنَّةِ»
- ۱۳- مغفرت، با توفیق و اذن الهی است. بر خلاف مسیحیت که آمرزش را بدست بزرگان خود می‌دانند. «وَالْمَغْفِرَةَ يَأْتِيهِ»
- ۱۴- انسان، واقعیات را به طور فطری در می‌یابد. بیان احکام فقط برای یادآوری است. «لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ»

۴- ازدواج با اهل کتاب

الْيَوْمَ أَحْلَلْ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَ طَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلَّلْ لَكُمْ وَ طَعَامَكُمْ حَلَّلْ لَهُمْ وَ الْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَ لَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَ مَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ^۱

امروز، همه‌ی چیزهای پاک و دلپسند برای شما حلال شده است، و طعام اهل کتاب برای شما حلال است و طعام شما نیز برای آنان حلال است. و (ازدواج با) زنان پاکدامن و با ایمان و نیز زنان پاکدامن از کسانی که پیش از شما به آنان کتاب آسمانی داده شده مانعی ندارد. در صورتی که مهریه زنان را بپردازید و پاکدامن باشید نه زناکار و نه دوست گیرنده‌ی پنهانی (و نامشروع) و هرکس به ایمان خود کفر ورزد، قطعاً عمل او تباہ شده و او در آخرت از زیانکاران است.

نکته‌ها:

چون این آیه، راه را برای رفت و آمد و غذا خوردن و ازدواج با اقلیت‌های دینی باز کرده و ممکن است مسلمانان برای رسیدن به دختران یهودی و مسیحی هر روز رفت و آمدشان را بیشتر کنند و کم‌کم تحت تأثیر تفکر و آداب آنان قرار بگیرند و از راه اسلام جدا شوند، آخر آیه هشدار می‌دهد که هرکس ایمان خود را نادیده بگیرد عمل او تباہ است. «وَ مَنْ يَكْفُرُ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ»

«أَخْدَانٍ»، جمع «خِدْنٍ»، به معنای دوست است؛ ولی معمولاً در مورد دوستی‌های پنهانی و نامشروع به کار می‌رود.

در مسأله‌ی غذا، آیه به طرفین مسلمان و اهل کتاب، اجازه می‌دهد که از طعام یکدیگر استفاده کنند، أَحْلَلْ لَكُمْ ... حَلَّلْ لَهُمْ ولی در ازدواج، تنها اجازه‌ی زن گرفتن از اهل کتاب را می‌دهد و اجازه‌ی زن دادن را نمی‌دهد، «الْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ» (چون معمولاً زنان، به خاطر عواطفشان، تحت تأثیر مردان قرار می‌گیرند؛ لذا اگر زنان اهل کتاب به اسلام بگروند، رشد است، اما زن مسلمان اگر به آنان گرایش یابد، سقوط است. از این رو زن دادن به اهل کتاب، جایز نیست).

«مُحْصِنٍ» و «مُحْصَنَةً»، به معنای عقیف‌بودن، آزادبودن، همسر داشتن و مسلمان بودن است.

^۱ مائده، ۵.

^۲ تفسیر نور، ج ۲، ص: ۲۴۳

در اینجا مراد از «محصنات» زنان عقیف است و گرنه ازدواج با زن شوهردار قطعاً حرام است.

مراد از جواز ازدواج با اهل کتاب در این آیه، ازدواج موقت است،^۱ به دلیل روایات متعدّد و به خاطر کلمه‌ی «أَجُورَهُنَّ» که بیشتر در مورد مهریه‌ی ازدواج موقت به کار می‌رود.

کسی که به حقانیت چیزی اقرار کند ولی به آن عمل نکند، عملش تباه است. امام صادق علیه السلام ذیل آیه «وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ» فرمودند: «تَرَكَ الْعَمَلَ الَّذِي أَقْرَبَهُ»

در روایت دیگری امام صادق علیه السلام فرمودند: کمترین چیزی که شخص به خاطر آن از ایمان خارج می‌شود آن است که نظری را بر خلاف حق بیابد و بر همان نظر بناگذارد و از آن دفاع کند، آنگاه حضرت این آیه را تلاوت کردند: «وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ»

پیام‌ها:

۳- پاکدامنی زن، در هر مذهبی که باشد، یک ارزش است. «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ»

۴- پاکدامنی، هم برای مردان و هم برای زنان، شرط است. «الْمُحْصَنَاتُ، مُحْصِنِينَ»

۵- در انتخاب همسر به اصل ایمان و پاکدامنی توجه شود. «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ»

۶- اغفال و کلاهبرداری، حتی نسبت به غیر مسلمان ممنوع است. «آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ» (رعایت حق اقتصادی زن گرچه مسلمان نباشد واجب است)

۷- زن، حق مالکیت دارد، چه مسلمان و چه غیر مسلمان. «أَجُورَهُنَّ»

۸- مهریه را باید به خود زن داد. «آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ» و فرمود: «آتَيْتُمُ اجُورَهُنَّ»

^۱ در این مسئله هرکس باید نظر مرجع تقلید خود را مطالعه نماید.

^۲ تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۵.

^۳ وسائل، ج ۲۷، ص ۶۰.

۹- پرداخت اجرت به زن باید به خاطر ازدواج باشد، نه به خاطر زنا و روابط نامشروع. «آتَيْتُمُوهُنَّ أَجْرَهُنَّ مَحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ»

۱۰- برقراری روابط نامشروع و پنهانی؛ حتی با غیرمسلمان هم ممنوع است. «وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ»

۱۱- خوردن طعام اهل کتاب و صیغه کردن زنان پاکدامن از آنان حلال است. جمله‌ی اَجَلَّ لَكُمْ ... وَ الْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ

۱۲- اختلاط با اهل کتاب و زندگی در میان آنان و سفر به کشورشان، یکی از لغزشگاه‌هاست. از این رو، در این آیه، پس از جواز ارتباط، هشدار می‌دهد که مواظب باشید، روابط اقتصادی و خانوادگی، اعتقاد شما را عوض نکند و به خاطر رسیدن به همسر، ایمانتان را از دست ندهید. «وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ»



۵- ازدواج با همسر سابق

وَ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضُوا بَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ ذَلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَمْ أَزْكَى لَكُمْ وَأَطْهَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ^۱

و هنگامی که زنان را طلاق دادید و مهلت (عده) خود را پایان رساندند، مانع آنها نشوید که با همسران (سابق) خویش ازدواج کنند، البته در صورتی که میان آنها به طرز پسندیده‌ای، توافق برقرار گردد. هر کس از شما که ایمان به خدا و روز قیامت دارد، به این دستورات پند داده می‌شود. (مراعات) این امر مایه‌ی پیرایش و پاکی بیشتر شما است و خداوند می‌داند و شما نمی‌دانید.

نکته‌ها:

اگر زنان مطلقه، با همان شوهران سابق خود توافق کرده و ازدواج کنند، در پاکی و تزکیه فرد و جامعه، تأثیر بسیار دارد. «ذَلِكُمْ أَزْكَى لَكُمْ وَأَطْهَرُ» زیرا در این نوع ازدواج، اسرار یکدیگر مخفی مانده و فرزندان به آغوش والدین و سرپرست واقعی خود برمی‌گردند و چون زن و شوهر طعم تلخ طلاق را چشیده‌اند، از جدائی مجدد نگرانند.

پیام‌ها:

- ۱- رأی زن مطلقه، در انتخاب شوهر محترم است و در ازدواج مجدد، اجازه از دیگری لازم نیست. «فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ»
- ۲- با یک طلاق، برای همیشه بدبین نباشید. چه بسا بعد از طلاق، دو طرف پشیمان شده و آماده زندگی مجدد به گونه شایسته‌ای باشند. «يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ»
- ۳- شرط اصلی ازدواج، رضایت طرفین است. «تَرَاضُوا بَيْنَهُمْ»
- ۴- توافق بر ازدواج، باید عقلایی و عادلانه باشد. «تَرَاضُوا بَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ»
- ۵- کسانی که در راه ازدواج مشروع دیگران، کارشکنی و مشکل آفرینی می‌کنند، باید در ایمان خود نسبت به خدا و قیامت شک کنند. «فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ ... ذَلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ»

^۱ بقره، ۲۳۲.

^۲ تفسیر نور، ج ۱، ص: ۳۶۳

۶- از جاذبه‌های طبیعی و مشروع، جلوگیری نکنید. چه بسا زن و مردی که میان آنها طلاق جدایی افکنده، از یکدیگر خاطرات شیرینی نیز داشته باشند و گاه و بیگاه آن خاطرات را یاد بیاورند که اگر به طور طبیعی و مشروع به هم نرسند، خطر انحراف وجود دارد. «يُنكِحَنَّ أَزْوَاجَهُنَّ ... ذَلِكُمْ أَزْكَى لَكُمْ وَ أَطْهَرُ»

۷- برای حفظ سلامتی جامعه، زنان مطلقه نباید بی‌همسر بمانند. «يُنكِحَنَّ ... ذَلِكُمْ أَزْكَى لَكُمْ وَ أَطْهَرُ»

۸- برکات ازدواج مجدد و بازگشت به همسر اول و همچنین مفسد طلاق و بی‌همسری، فوق درک بشر است. «وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»



۶- تشبیه همسر به لباس

أَحَلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصَّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتُمُوا الصَّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ^۱

در شب‌های روزه (ماه رمضان)، آمیزش با همسرانتان برای شما حلال شد، آنها برای شما (همچون) لباسند و شما برای آنها (همچون) لباس. خداوند می‌دانست که شما به خود خیانت می‌کردید (و آمیزش را که ممنوع بود، بعضاً انجام می‌دادید) پس توبه شما را پذیرفت و از شما درگذشت. اکنون (می‌توانید) با آنها هم بستر شوید و آنچه را خداوند بر شما مقرر فرموده، طلب کنید. و بخورید و بیاشامید تا رشته سفید از رشته سیاه (شب) برای شما آشکار گردد. سپس روزه را تا شب به اتمام رسانید. و در حالی که معتکف در مساجد هستید، با زنان آمیزش نکنید. این حدود و احکام الهی است پس (به قصد تجاوز و گناه) به آن نزدیک نشوید. خداوند این چنین آیات خود را برای مردم، روشن می‌سازد، باشد که پرهیزگار گردند.

نکته‌ها:

در آغاز اسلام، در شب و روز ماه رمضان، آمیزش با همسر ممنوع بود و همچنین در ساعت معینی از شب می‌توانستند افطار کنند و اگر روزه‌دار خوابش می‌گرفت بعد از بیداری حق غذا خوردن نداشت. برخی مسلمانان علیرغم ممنوع بودن آمیزش جنسی این کار را انجام می‌دادند، ولی برخی دیگر با وجود زحمت و سختی، از خوردن در شب بعد از بیداری خودداری می‌کردند. یکی از یاران پیامبر به نام مطعم بن جبیر هنگام افطار به علت دیر حاضر شدن غذا خوابش برد، وقتی بیدار شد گفت: من دیگر حق غذا خوردن ندارم و فردا را بدون غذا روزه گرفت و برای کندن خندق اطراف مدینه حاضر شد. در بین کار به علت شدت ضعف از حال رفت و بیهوش شد. پیامبر صلی الله علیه و آله بسیار متأثر شد و این آیه نازل گردید که غذا خوردن تا طلوع فجر آزاد است و آمیزش با همسران در شب‌های ماه رمضان مانع ندارد. خداوند متعال می‌داند که شما به خویشتن خیانت می‌کردید و قدرت صبر و خودداری نداشته و ندارید، به همین دلیل تکلیف را بر شما آسان و گذشته‌ی شما را عفو نمود.

^۱ بقره، ۱۸۷.

^۲ تفسیر نور، ج ۱، ص: ۲۹۲.

اعتکاف، به معنای بریدن از دنیا و پناهنده شدن به خداست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با گرفتاری‌ها و مشکلاتی که داشتند، گاهی در مسجد برای چند روز معتکف می‌شدند و بدین وسیله روح خود را صفا و آرامش بیشتر می‌دادند. از آنجا که در غیر حال اعتکاف نیز آمیزش در مسجد ممنوع است. به نظر می‌رسد مراد از کلمه «عاکفون» همان سکونت در مسجد باشد، نه اعتکاف به معنای عبادت مخصوص.

در تشبیه همسر به لباس، نکات و لطایف بسیاری نهفته است:



* لباس باید در طرح و رنگ و جنس مناسب انسان باشد، همسر نیز باید کفو انسان و متناسب با فکر و فرهنگ و شخصیت انسان باشد.

* لباس مایه‌ی زینت و آرامش است، همسر و فرزند نیز مایه‌ی زینت و آرامش خانواده‌اند.

* لباس عیوب انسان را می‌پوشاند، هریک از زن و مرد نیز باید عیوب و نارسایی‌های یکدیگر را بپوشانند.

* لباس انسان را از سرما و گرما حفظ می‌کند، وجود همسر نیز کانون خانواده را گرم و زندگی را از سردی می‌رهاند.

* دوری از لباس، مایه‌ی رسوایی است، دوری از ازدواج و همسر نیز گاهی سبب انحراف و رسوایی انسان می‌گردد.

* در هوای سرد لباس ضخیم و در هوای گرم لباس نازک استفاده می‌شود، هر یک از دو همسر نیز باید اخلاق و رفتار خود را متناسب با نیاز روحی طرف مقابل تنظیم کند؛ اگر مرد عصبانی است، زن با لطافت با او برخورد کند و اگر زن خسته است، مرد با او مدارا کند.

* انسان باید لباس خود را از آلودگی حفظ کند، هر یک از دو همسر نیز باید دیگری را از آلوده شدن به گناه حفظ نماید.

پیام‌ها:

۱- تخفیف و آسان‌گیری در احکام، از ویژگی‌های دین اسلام است. «أَحِلَّ لَكُمْ»

- ۲- رعایت ادب در سخن، از ویژگی‌های قرآن است. «رفت» به معنای سخن گفتن پیرامون مسائل زناشویی است که در آیه به کنایه از آمیزش آمده است.
- ۳- هر کجا خواستید راهی را ببندید، یک راه مشروع را باز بگذارید. چون خداوند در روز رمضان، آمیزش را ممنوع می‌کند، لذا در شب آنرا مجاز می‌شمرد. «أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ»
- ۴- عبادت روز و لذت مشروع شب، نشانه‌ی جامعیت دین است. در یک آیه، هم احکام روزه و هم مسائل زناشویی آمده است. «أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَىٰ نِسَائِكُمْ»
- ۵- اسلام به نیازهای طبیعی توجه کامل دارد. «الرَّفَثُ إِلَىٰ نِسَائِكُمْ»
- ۶- نیاز زن و مرد به یکدیگر، دو طرفه است و هریک برای پوشش نیازهای طبیعی خود به دیگری نیازمند است. «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ»
- ۷- خداوند از جزئیات کارهای انسان آگاه است. «عَلِمَ اللَّهُ أَنْكُمْ»
- ۸- انسان، جایز الخطا و غریزه جنسی در او قوی است. «كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ»
- ۹- ترک فرمان خدا، خیانت و ظلمی است به خود ما. «تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ»
- ۱۰- در آمیزش و فرزند خواهی، برای خداوند تکلیف معین نکنید که پسر باشد یا دختر. «وَأَبْتَعُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ»
- ۱۱- حتی آمیزش جنسی باید هدفدار باشد. «وَأَبْتَعُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ»
- ۱۲- معیار احکام اسلامی، معیارهای عمومی، طبیعی و ساده است. پیدا شدن سپیده‌ی صبح یا تاریکی شب را، هر کس در هر کجا باشد می‌تواند بفهمد. «يَتَّبِعِينَ لَكُمْ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ»
- ۱۳- نقش زمان‌بندی را در عبادات فراموش نکنیم. «أَتِمُّوا الصِّيَامَ إِلَىٰ اللَّيْلِ»
- ۱۴- اعتکاف، سکونت در مسجد است، مشروط به روزه گرفتن. «عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ»
- ۱۵- پیشگیری از گناه لازم است. قرآن می‌فرماید: به گناه نزدیک نشوید. چون نزدیک شدن به گناه همان و افتادن در آن همان. «فَلَا تَقْرُبُوهَا»

۱۶- تقوا، فلسفه‌ی احکام الهی است. روزه برای تقواست، آمیزش جنسی مشروع نیز برای تقواست. «۱» «لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ»

۱۷- عمل به دستورات الهی، بستر رشد و تقوا می‌باشد. «لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ»

۷- آرامش، مودت و رحمت

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ^۱

و از نشانه‌های او آن است که از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و میان شما و همسرانتان علاقه‌ی شدید و رحمت قرار داد؛ بی شک در این (نعمت الهی)، برای گروهی که می‌اندیشند نشانه‌های قطعی است.

نکته‌ها:

یاد خداوند مایه‌ی آرامش دل و روح است، «بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» و همسر مایه‌ی آرامش جسم و روان. «أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا»

پیام‌ها:

- ۱- آفرینش، هدفدار است. «خَلَقَ لَكُمْ»
- ۲- زن و مرد از یک جنس هستند. (بر خلاف پاره‌ای عقاید خرافی و تحقیرآمیز که زن را موجودی پست‌تر یا از جنس دیگر می‌پندارند.) «مِنْ أَنْفُسِكُمْ»
- ۳- همسر باید عامل آرامش باشد نه مایه‌ی تشنج و اضطراب. «لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا»
- ۴- هدف از ازدواج، تنها ارضای غریزه‌ی جنسی نیست، بلکه رسیدن به یک آرامش جسمی و روانی است. «لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا»
- ۵- نقش همسر، آرام بخشی است. «لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا»
- ۶- محبت، هدیه‌ای الهی است که با مال و مقام و زیبایی به دست نمی‌آید. «جَعَلَ» (مودت و رحمت، هدیه‌ی خدا به عروس و داماد است.)

^۱ روم، ۲۱.

^۲ تفسیر نور، ج ۷، ص: ۱۸۹.

۷- هر کس با هر عملی که آرامش و مودت و رحمت خانواده را خدشه دار کند، از مدار الهی خارج و در خطّ شیطان است. جَعَلَ بَيْنَكُمْ ...

۸- رابطه‌ی زن و مرد، باید بر اساس مودت و رحمت باشد. «مَوَدَّةٌ وَ رَحْمَةٌ» (مودت و رحمت، عامل بقا و تداوم آرامش در زندگی مشترک است).

۹- مودت و رحمت، هر دو با هم کارساز است. (مودت بدون رحمت و خدمت، به سردی کشیده می‌شود و رحمت بدون مودت نیز دوام ندارد.) «مَوَدَّةٌ وَ رَحْمَةٌ»

۱۰- تنها اهل فکر می‌توانند به نقش سازنده‌ی ازدواج پی ببرند. «لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»



۸- اوصاف زنان شایسته

عَسَىٰ رَبُّهُ إِن طَلَّقَنَّ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكَ مَسْلَمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَ
أَبْكَارًا^۱

اگر پیامبر شما را طلاق دهد، امید است که پروردگارش همسرانی بهتر از شما را جانشین سازد. زنانی تسلیم، مؤمن، فرمان‌بر، اهل توبه، عبادت‌پیشه، روزه‌گیر، شوهر کرده یا دوشیزه.

نکته‌ها:

«قنوت»، اطاعت همراه با خضوع است. «سائحات» از سیاحت به معنای اهل هجرت و روزه است.

با آنکه پیامبر همسران متعددی داشت و برخی از آنان نیز اسباب آزار پیامبر را فراهم می‌آوردند، اما پیامبر هیچ کدام را طلاق نداده است. لذا طرح موضوع طلاق در این آیه، به معنای عدم وابستگی پیامبر به هیچ کس و هیچ چیز است تا نزدیکان پیامبر گمان نکنند حضرت به آنان نیاز دارد و یا آنان افراد مهمی هستند، بلکه چه بسا افرادی بهتر و لایق‌تر از آنان وجود دارد که آرزوی همسری پیامبر را در سردارند.

این آیه نیز به گونه‌ای فصاحت و بلاغت و اعجاز قرآن را بیان می‌دارد، زیرا ایمان، تواضع، توبه، عبادت و روزه در یک نفر جمع می‌شود، لذا آنها را بدون حرف واو آورد، ولی باکره و بیوه بودن در یک نفر جمع نمی‌شود، لذا میان این دو صفت، حرف واو آمده است.^۲

همسر پیامبر باید با پیامبر سنخیت داشته باشد. در بیان ویژگی‌ها، سخنی از شکل، قبیله، سرمایه و شهرت نیامده، ولی ایمان و عبادت مطرح شده است، زیرا متناسب با رهبری الهی، کمالات معنوی است.

ازدواج با بیوه در کنار باکره آمده است تا به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت کامیابی جنسی داده نشود.

پیام‌ها:

^۱ تحریم، ۵.

^۲ تفسیر نور، ج ۱۰، ص: ۱۲۶.

^۳ تفسیر کشاف.

^۴ تفسیر نور، ج ۱۰، ص: ۱۲۷.

- ۱- انسان نیاز به همسر دارد و در صورت طلاق، می‌تواند جایگزین کند. *إِنْ طَلَّقْتَنَ ... يُبَدِّلْهُ*
- ۲- مقابله با همسر و عذرخواهی نکردن و پشیمان نشدن، ممکن است زن را تا مرز طلاق و جدایی پیش ببرد. *تَظَاهَرَا ... طَلَّقْتَنَ*
- ۳- یکی از قوی‌ترین اهرم‌ها در برابر توطئه زنان، تهدید به طلاق است. *تَظَاهَرَا عَلَيْهِ ... طَلَّقْتَنَ*
- ۴- تمام زنان پیامبر، بهترین زنان عصر خود نبودند. «*خَيْرًا مِنْكَ*»
- ۵- غرور کاذب افراد را بشکنید و در برابر پندارهای باطل بایستید. «*خَيْرًا مِنْكَ*»
- ۶- ارزش واقعی زن، به کمالات اوست. *خَيْرًا مِنْكَ مُسْلِمَاتٍ، مُؤْمِنَاتٍ ...*
- ۷- عقیده بر عمل مقدم است. اول اسلام و ایمان، سپس عبادت و روزه. *مُسْلِمَاتٍ مُؤْمِنَاتٍ ... عِبَادَاتٍ سَائِحَاتٍ*
- ۸- ایمان و عبادت زن، مهم‌تر از باکره یا بیوه بودن اوست. *مُؤْمِنَاتٍ ... تَيِّبَاتٍ وَ أَبْكَارَا*



۹- آسیه، زن نمونه

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَ
عَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ^۱

و خداوند برای کسانی که ایمان آورده‌اند، به همسر فرعون مثل زده است. آن گاه که گفت: پروردگارا! برای من نزد خویش در بهشت خانه‌ای بساز و مرا از فرعون و کردار او نجات بده و مرا از گروه ستمگر رهایی بخش.

نکته‌ها:

هنگامی که آسیه، (همسر فرعون) معجزه حضرت موسی را دید، به او ایمان آورد و فرعون، به کیفر این کار، دست و پایش را به زمین می‌خکوب کرد و او را زیر آفتاب سوزان قرار داد. هنگامی که آسیه آخرین لحظه‌های عمر خود را می‌گذرانید، دعایش این بود، «رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ»

لازم نیست الگو، پیامبر یا امام معصوم باشد و لازم نیست سابقه توحیدی داشته باشد. زن فرعون، نه معصوم بود و نه موحد، بلکه با دیدن معجزه موسی ایمان آورد.

در معرفی الگو و تجلیل از شخصیت‌ها، فرقی میان زن و مرد نیست. قرآن به پیامبرش دستور می‌دهد که یاد ابراهیم را زنده نگه دار: «وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِبْرَاهِيمَ» و یادآور مریم باش: «وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ» چنانکه در این آیه، همسر فرعون را معرفی می‌کند. «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ» سیمای همسر فرعون:

۱. محیط‌زده نبود و جامعه شخصیت او را نساخته بود. او با منطق در برابر رژیم فاسد ایستاد.

۲. زرق و برق زده نبود و به تمام مظاهر دنیوی پشت کرد و از کاخ و رفاه و مادیات گذشت.

۳. فضای سکوت و خفقان را شکست.

۴. صبور بود و زیر شکنجه جان داد و به شهادت رسید، ولی از راه و مکتبش دست بر نداشت.

۵. حامی رهبر معصوم زمان خود، حضرت موسی بود.

^۱ تحریم، ۱۱.

^۲ تفسیر مجمع البیان.

۶. بلند همت بود. او به کمتر از بهشت و قرب خدا قانع نبود.

۷. شہامت داشت و تهدیدات فرعون در او اثر نگذاشت.

۸. رضای خالق را بر رضای خلق مقدم داشت.

۹. منطق و عقل و وحی را بر مسایل خانوادگی ترجیح می داد.

۱۰. با نهدی از منکر خود که گفت: «لَا تَقْتُلُوهُ» موسی را در کودکی از مرگ نجات داد.

همسر فرعون ثابت کرد بسیاری از شعارهایی که در طول زمان، جزو فرهنگ مردم شده، غلط است و باید آن را عوض کرد. می گویند: خواهی نشوی رسوا، هم رنگ جماعت شو، اما او گفت: من هم رنگ جماعت نمی شوم و رسوا هم نمی شوم.

می گویند: یک دست صدا ندارد، اما او ثابت کرد که یک نفر نیز می تواند موج ایجاد کند.

می گویند: زن شخصیت مستقل ندارد، اما او ثابت کرد زن در انتخاب راه مستقل است.

می گویند: با مشت نمی شود به جنگ درفش رفت، اما او ثابت کرد حق ماندنی است و اگر مشت روی آهن اثر ندارد، روی افکار عمومی در تاریخ اثر دارد.

می گویند: با یک گل بهار نمی شود، اما او ثابت کرد اگر خدا بخواهد با یک گل بهار می شود.

می گویند: فلانی نمک خورد و نمک گیر شد، همسر فرعون نان و نمک فرعون را خورد، ولی از عقیده او متنفر بود و می گفت: «نَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ» خدایا! مرا از فرعون نجات بده.

انواع خانواده‌ها در قرآن:

۱. زن و شوهری که هم فکر و همگام در کار خیر هستند. (همچون حضرت علی و حضرت زهرا علیهما السلام)
«يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ»

^۱ قصص، ۹.

^۲ انسان، ۸.

۲. زن و شوهری که در خباثت هم فکر و همگام هستند. (ابولهب و همسرش) تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ ... وَ امْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ

۳. خانواده‌ای که مرد خوب، اما زن بد است. (زن لوط و نوح) كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ ... فَخَانَتَاهُمَا^۱

۴. خانواده‌ای که مرد بد، اما همسر خوب است. (زن فرعون) «مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ»

پیام‌ها؟

۱- زن می‌تواند الگوی مردان تاریخ شود. «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ»

۲- مقایسه الگوها، از روشهای تربیت است. مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا ... مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا

۳- فشار محیط و جامعه، وابستگی اقتصادی، زن بودن، تقاضای همسر و ترس از آوارگی، هیچ کدام دلیل بی دینی نمی‌شود. ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ ...

۴- برای اتمام حجت، یک نمونه هم کافی است. ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا ... امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ

۵- حرف اول را اراده انسان می‌زند، نه چیز دیگر. ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا ... امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ

۶- مبارزه با طاغوت، با دعا منافاتی ندارد. رَبِّ ... نَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ

۷- نجات از طاغوت، پشتوانه معنوی لازم دارد. «رَبِّ .. نَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ»

۸- مهم‌تر از بهشت، قرب معنوی به خداست. رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ ...

۹- ایمان سبب تنفر از ستمگران است. زن فرعون به خاطر ایمانی که داشت از تمام رفتارهای فرعون متنفرد بود. «نَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ»

۱۰- اطاعت زن از مردم در عقیده لازم نیست، بلکه گاهی باید موضع بگیرد. «نَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ»

^۱ تحریم، ۱۰.

^۲ تفسیر نور، ج ۱۰، ص: ۱۴۱.

- ۱۱- روابط خانوادگی مرز دارد و همین که به انحراف و کفر رسید باید تغییر کند. «نَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ»
- ۱۲- تبری از کفر، شرط ایمان است. «نَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ»
- ۱۳- ابراز تنفر و انزجار از دیگران، باید ملاک و معیار عقلی و شرعی داشته باشد. «مِنْ فِرْعَوْنَ ... مِنْ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»



۱۰- حضرت مریم، الگوی پاکدامنی

و مَرِيْمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَ صَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَ كَتَبَ وَ كَانَتْ مِنْ
الْقَانِتِينَ^۱

و (خداوند به) مریم دختر عمران (نیز مثل زده است). زنی که دامن خویش را (از گناه) حفظ کرد، پس ما از روح خود در او دمیدیم (تا عیسی در دامن او متولد شد) و کلمات پروردگارش و کتب آسمانی را تصدیق کرد و از اطاعت پیشه‌گان بود.

نکته‌ها:

«أَحْصَنَتْ» از «حصن» به معنای قلعه، در مورد زنان، رمز عفت و پاکدامنی است.

در این آیه چهار کمال برای حضرت مریم بیان شده است: پاکدامنی، نفخه‌ی روح، تصدیق پیامبران و کتب آسمانی و اطاعت محض در برابر خدا.

در تفاسیر شیعه و سنی آمده است که زنان کامل چهار نفرند: آسیه همسر فرعون، مریم دختر عمران، خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر حضرت محمد صلی الله علیه و آله.^۲

تنها زنی که نامش در قرآن آمده، حضرت مریم است که ۳۱ مرتبه در دوازده سوره از او نام برده شده که ۱۲ بار آن به صورت عیسی بن مریم است و یک سوره قرآن، به نام اوست.

الگو باید مختلف با شرایط و محیط‌های گوناگون باشد تا قابل تطبیق با هر کس و هر زمان و شرایط مختلف باشند: زن فرعون، حضرت مریم، حضرت ابراهیم و حضرت محمد علیهم السلام.

خداوند از پاکان دفاع می‌کند. چون به حضرت مریم تهمت ناپاکی زدند، «وَقَوْلِهِمْ عَلَى مَرِيْمَ بُهْتَانًا عَظِيْمًا» خداوند در قرآن دو بار فرمود: او پاکدامن است. «أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا»

پیام‌ها:

^۱ تحریم، ۱۲.

^۲ تفسیر مجمع البیان.

- ۱- قرآن، حضرت مریم را به عنوان الگوی پاکدامنی برای مردان و زنان معرفی کرده است. لِلَّذِينَ آمَنُوا ... مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ
- ۲- ارزش زن به پاکدامنی اوست. «مَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا»
- ۳- گام اول را باید انسان بر دارد، آنگاه الطاف الهی سرازیر می‌شود. «أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا»
- ۴- فرزند پاک از دامان پاک برمی‌خیزد. «أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا»
- ۵- عمل به احکام و دستورات الهی، بهترین تصدیق آنهاست. «صَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ»
- ۶- خضوع و خشوع در عبادت خداوند، در کنار تصدیق قولی لازم است. صَدَّقَتْ ... وَ كَانَتْ مِنَ الْفَائِتِينَ



۱۱- عصمت و پاکدامنی حضرت یوسف

وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٍ وَهَمَّ بِهَا لَوْ لَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ^۱

و همانا (همسر عزیز مصر) قصد او (یوسف) را کرد و او نیز اگر برهان پروردگارش را نمی دید (بر اساس غریزه) قصد او را می کرد. اینگونه (ما او را با برهان کمک کردیم) تا بدی و فحشا را از او دور کنیم، چرا که او از بندگان برگزیده ما است.

نکته‌ها:

امام صادق علیه السلام فرمود: «برهان رب» همان نور علم، یقین و حکمت بود که خداوند در آیات قبل فرمود: «آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا».

یوسف، معصوم و پاکدامن بود؛ به دلیل گفتار همه‌ی کسانی که به نحوی با یوسف رابطه داشته‌اند و ما نمونه‌هایی از آن را بیان می‌کنیم:

۱. خداوند فرمود: «لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ» (ما یوسف را با برهان کمک کردیم) تا بدی و فحشا را از او دور کنیم، زیرا او از بندگان برگزیده‌ی ماست.

۲. یوسف می‌گفت: «رَبِّ السَّجْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ» پرودگارا! زندان برای من از گناهی که مرا به آن دعوت می‌کنند بهتر است. در جای دیگر گفت: «أَنِّي لَمْ أَخْنَهُ بِالْغَيْبِ» من به صاحبخانه‌ام در غیاب او خیانت نکردم.

۳. زلیخا گفت: «لَقَدْ رَاودَتْهُ عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ» به تحقیق من با یوسف مراوده کردم و او معصوم بود.

۴. عزیز مصر گفت: «يُوسُفُ أَعْرَضَ عَن هَذَا وَاسْتَعْفِرِي لِذَنْبِكِ» ای یوسف تو این ماجرا را مسکوت بگذار و به زلیخا گفت: از گناهت استغفار کن.

^۱ یوسف، ۲۴.

^۲ تفسیر کشف الاسرار.

۵. شاهدهی که گواهی داد و گفت: اگر پیراهن از عقب پاره شده معلوم می‌شود که یوسف پاکدامن است. إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ ...

۶. زنان مصر که گفتند: «مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِنْ سُوءٍ» ما هیچ گناه و بدی درباره‌ی او سراغ نداریم.

۷. ابلیس که وعده‌ی فریب همه را داد، گفت: «إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ» من حریف برگزیدگان نمی‌شوم و این آیه یوسف را مخلص نامیده است.

پیام‌ها:

- ۱- اگر امداد الهی نباشد، پای هر کسی می‌لغزد. «هَمَّ بِهَا لَوْ لَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ»
- ۲- در هر صحنه‌ای، امکان رؤیت برهان ربّ وجود دارد. هَمَّتْ بِهِ ... رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ*
- ۳- انبیا در غرایز مانند سایر انسان‌ها هستند، ولی به دلیل ایمان به حضور خدا، گناه نمی‌کنند. «هَمَّ بِهَا لَوْ لَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ»
- ۴- غفلت از یاد الهی، زمینه‌ی ارتکاب گناه و توجه به آن، عامل محفوظ ماندن در گناه است. «هَمَّ بِهَا لَوْ لَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ»*
- ۵- مخلص شدن موجب محفوظ ماندن شخص از گناه می‌گردد. لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ ... إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلِصِينَ
- ۶- عبادت خالصانه رمز موفقیت در دوری از گناه است. لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ ... إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلِصِينَ
- ۷- خداوند، بندگان مخلص را حفظ می‌کند. لِنَصْرِفَ عَنْهُ ... إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلِصِينَ
- ۸- بدی و فحشا با مخلص بودن یکجا جمع نمی‌شود. لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ ... الْمُخْلِصِينَ*
- ۹- مخلص شدن مخصوص یوسف علیه السلام نیست، می‌توان با پیمودن راه آن حضرت به مقام مخلصین نزدیک شد. «إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلِصِينَ»

۱۲-وظایف هریک از همسران

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَ اللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَ أَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَ اضْرِبُوهُنَّ فَإِنِ اطَّعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا^۱

مردان دارای ولایت بر زنانند از آن جهت که خدا بعضی از ایشان (مردان) را بر بعضی (زنان) برتری داده (قدرت بدنی، تولیدی و اراده بیشتری دارند) و از آن جهت که از اموال خود نفقه می دهند، پس زنان شایسته، فرمان بردارند و نگهدار آنچه خدا (برای آنان) حفظ کرده، (حقوق و اسرار شوهر)، در غیاب اویند. و (اما) زنانی که از سرپیچی آنان بیم دارید، پس (نخست) آنان را موعظه کنید و (اگر مؤثر نشد) در خوابگاه از آنان دوری کنید و (اگر پند و قهر اثر نکرد)، آنان را بزنید (و تنبیه بدنی کنید)، پس اگر اطاعت شما را کردند، بهانه ای بر آنان (برای ستم و آزار) مجوید. همانا خداوند بزرگوار و بزرگ مرتبه است.

نکته‌ها:

«قَوَّام» به کسی گفته می شود که تدبیر و اصلاح دیگری را بر عهده دارد. «نشوز» از «نشز» به معنای زمین بلند است و به سرکشی و بلندپروازی نیز گفته می شود.

شرط سرپرستی و مدیریت، لیاقت تأمین و اداره زندگی است و به این جهت، مردان نه تنها در امور خانواده، بلکه در امور اجتماعی، قضاوت و جنگ نیز بر زنان مقدمند، بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ ... وَبِمَا أَنْفَقُوا و به این خاطر نفرمود: «قَوَّامُونَ علی ازواجهم»، زیرا که مسئله‌ی زوجیت مخصوص زناشویی است و خدا این برتری را مخصوص خانه قرار نداده است.

گرچه برخی زنان، در توان بدنی یا درآمد مالی برترند، ولی در قانون و برنامه، باید عموم را مراعات کرد، نه افراد نادر را.

برای جمله «حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ» معانی گوناگونی است:

^۱ نساء، ۳۴.

^۲ تفسیر نور، ج ۲، ص: ۶۱.

الف: زنان، آنچه را خدا خواهان حفظ آن است، حفظ نمایند.

ب: زنان، حقوق شوهران را حفظ کنند، همان گونه که خدا حقوق زنان را در سایه تکالیفی که بر مرد نهاده، حفظ کرده است.

ج: زنان حافظ هستند، ولی این توفیق را از حفظ الهی دارند.

وقتی راههای مسالمت آمیز سود نبخشید، یا باید دست از انجام وظیفه کشید، یا باید در صورت تأثیر نداشتن موعظه و قهر، خشونت به خرج داد. به گفته‌ی روانشناسان، بعضی افراد، حالت مازوشیسم (آزاد طلبی) پیدا می‌کنند که تنبیه مختصر بدنی، برایشان همچون مرهم است. در تنبیهات بدنی هم، اسلام سفارش کرده که نباید به مرحله‌ی کبودی جسم یا زخمی شدن بدن برسد. به علاوه، مرد متخلف هم گاهی توسط قاضی تنبیه بدنی می‌شود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کتک زدن شما نباید به نحوی باشد که اثر آن در جسم زن نمودی داشته باشد، یا کتک نشانه خودنمایی و اظهار قدرت مرد باشد که زهره چشمی بگیرد. «ضرباً غیر مبرح»

امام صادق علیه السلام فرمودند: نشوز زن آن است که در فراش (هم‌بستر شدن) از شوهر تبعیت نکند و مقصود از «اضربوهن»، زدن با چوب مسواک و شبیه آن است، زدن که از روی رفق و دوستی باشد.^۱

پیام‌ها:

۱- در یک اجتماع دو نفری هم، یکی باید مسئول و سرپرست باشد. مدیر خانه مرد است. «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ»

۲- در اداره امور زندگی، باید تعقل و تدبیر، بر احساسات و عواطف حاکم باشد. «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ»

۳- نظام حقوقی اسلام با نظام تکوین و آفرینش هماهنگ است. حق مدیریت مرد، به خاطر ساختار جسمی و روحی اوست. «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ»

۴- برتری‌های طبیعی فضل الهی است. «بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ»

^۱ تفسیر طبری، ج ۵، ص ۶۸ و درآل‌منثور، ج ۲، ص ۵۲۲.

^۲ من‌لایحضره‌الغزالی، ج ۳، ص ۵۲۱.

- ۵- هزینه زندگی، بر عهده مرد است. «بِمَا أَنْفَقُوا»
- ۶- قانونگذار باید در وضع قانون، به تفاوت‌های طبیعی زن و مرد در آفرینش، توجه داشته باشد. الرَّجَالُ قَوَّامُونَ ... بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ
- ۷- نشانه‌ی شایستگی زن، اطاعت و تواضع او نسبت به شوهر است. «قَانِتَاتٌ»
- ۸- نشانه‌ی همسر شایسته، حفظ خود در غیاب شوهر است. «حَافِظَاتٌ لِلْغَيْبِ»
- ۹- اطاعت زن از شوهر و حفظ حقوق وی، مشروط به تأمین زندگی او از سوی مرد است. بِمَا أَنْفَقُوا ... فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ
- ۱۰- علاج واقعه را قبل از وقوع باید کرد. پیش از آنکه زن ناشزه شود، چاره‌ای بیندیشید. «تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ»
- ۱۱- مرد هیچ حقی در آزدن همسر مطیع خود ندارد. «فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا»
- ۱۲- سه مرحله موعظه، ترک هم‌خوابی و تنبیه، برای مطیع کردن زن است. پس اگر از راه دیگری زن مطیع می‌شود، مرد حق برخورد ندارد. جمله‌ی «فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ» نشانه آن است که هدف اطاعت است، گرچه از طریق دیگری باشد.
- ۱۳- تواضع زن، ضعف نیست، ارزش است. «فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ»
- ۱۴- نشانه‌ی همسر شایسته، رازداری، حفظ مال و آبرو و ناموس شوهر در غیاب اوست. فَالصَّالِحَاتُ ... حَافِظَاتٌ لِلْغَيْبِ
- ۱۵- برخورد با منکرات باید گام به گام و مرحله به مرحله باشد. موعظه، قهر تنبیه. فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ ...
- ۱۶- تا موعظه مؤثر باشد، قهر و خشونت ممنوع و تا قهر و جدایی موقت اثر کند، تنبیه بدنی ممنوع است. فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ ... وَاضْرِبُوهُنَّ
- ۱۷- برخورد خشن و تنبیه، تنها برای انجام وظیفه است، نه انتقام و کینه و بهانه. «فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ»
- ۱۸- برتری مردان، نباید سبب غرور شود، چون خدا از همه برتر است. «إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيًّا كَبِيرًا»

۱۹- توجه به برتری خداوند، کلید تقوا و پرهیز از ستم بر همسران است. «إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا»



۱۳- خوش رفتاری با همسر

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّكُمْ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! برای شما حلال نیست که زنان را به اکراه به ارث برید و بر آنان سخت نگیرید تا بعضی از آنچه را به آنان بخشیده‌اید، خود ببرید، مگر آنکه مرتکب فحشاء آشکار شوند و با آنان به نیکویی رفتار کنید و اگر از همسرانتان خوشتان نیامد چه بسا شما چیزی را خوش نداشته باشید، ولی خداوند، خیر فراوان در آن قرار داده باشد.

نکته‌ها:

بر خلاف سنت جاهلیت، که گاهی زن نیز به ارث برده می‌شد، ممکن است آیه اشاره به این باشد که تنها اموال قابل ارث است و همسر متوفی، ارث کسی نیست. او خودش می‌تواند بعد از فوت شوهرش، همسر دیگری انتخاب کند.

پیام‌ها:

۱- اسلام، مدافع حقوق زن است. «لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا»

۲- بازپس گرفتن مهریه با زور و اجبار، حرام است. «لَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ»

۳- تنها در صورتی که زن در معرض بی‌عفتی باشد، مرد حق سخت‌گیری دارد. «لَا تَعْضُلُوهُنَّ ... إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّكُمْ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ»

۴- با زنان باید خوش رفتاری کرد. «عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»

۵- مرد، سنگ‌زیرین آسیای زندگی است و باید با خوشرفتاری، بر سختی‌ها شکیبیا باشد. (خطاب آیه به مرد است).
لَا تَعْضُلُوهُنَّ ... عَاشِرُوهُنَّ

^۱ نسا، ۱۹.

۶- بسیاری از خیرات، در لابلای ناگواری‌های زندگی است. يَجْعَلُ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا ...

۷- حلّ مشکلات خانواده و داشتن حلم و حوصله، برای سعادت فرزندان، بهتر از جدایی و طلاق است. «فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا»

۸- همیشه خیر و شرّ ما همراه با تمایلات ما نیست، چه بسا چیزی را ناخوشایند داریم، ولی خداوند خیر زیاد در آن قرار داده باشد. زیرا انسان به همه‌ی مصالح خویش آگاه نیست. «فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا ... فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا»



۱۴- حیا در خانواده

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيْسَ تَأْذِنُكُمُ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! غلامان و فرزندان که به سن بلوغ و احتلام نرسیده‌اند، در سه وقت (برای ورود به اتاق) از شما اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح و هنگام نیمروز، که لباس از تن بیرون می‌کنید، و بعد از نماز عشا. این سه وقت، هنگام خلوت شماست، اما در غیر این سه وقت، بر شما و بر آنان گناهی نیست که بدون اذن وارد شوند، زیرا آنان پیوسته با شما در رفت و آمد هستند و بعضی بر بعضی وارد می‌شوند. خداوند آیات خود را این گونه برای شما بیان می‌کند و خداوند دانا و حکیم است.

نکته‌ها:

اگر بار دیگر، از ابتدای سوره نگاهی به آیات آن بکنیم، خواهیم دید که سیاست پیشگیری از گناه در احکام الهی نهفته است، مثلاً زن و مرد زناکار را در برابر چشم دیگران تنبیه کنید، (آیه ۱) ازدواج آنان را محدود کنید، (آیه ۳) اگر کسی بدون چهار شاهد نسبت ناروا داد، هشتاد تازیانه بزنید، (آیه ۴) اگر تهمتی را شنیدید برخورد کنید، (آیه ۱۲) هرکس اشاعه فحشا را دوست بدارد، عذاب دردناک خواهد داشت، (آیه ۱۹) بدنال گام‌های شیطان نروید، (آیه ۲۱) کسانی که به زنان پاکدامن تهمت بزنند عذاب عظیم خواهند داشت، (آیه ۲۳) پاکان به سراغ ناپاکان نروند، (آیه ۲۶) سرزده به خانه دیگران نروید و اگر گفتند برگردید بپذیرید و برگردید، (آیه ۲۷-۲۸) چشمان خود را از نامحرم پیش کشید و خیره نشوید، (آیه ۳۰-۳۱) زنان زیور خود را نشان ندهند، برای ازدواج افراد بی‌همسر قیام کنید و از فقر نترسید، (آیه ۳۲) و در این آیه می‌فرماید: ساعاتی با همسرتان خلوت کنید که بدانید فرزندان و خادمان منزل سرزده وارد نمی‌شوند. آری تمام این دستورات برای جلوگیری از فحشا و بلوغ زودرس و حفظ حریم و حیا و آبرو است.

پیام‌ها:

۱- مسئول آموزش احکام دین به فرزندان، والدین مؤمن هستند. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيْسَ تَأْذِنُكُمُ»

^۱ نور، ۵۸.

- ۲- محل خواب والدین، اگر جدا از فرزندان باشد، نیاز به اذن دارد. «لَيْسَتْ أَدْنُكُمْ»
- ۳- کودکی و بردگی، بهانه‌ای برای شکست حریم دیگران نیست. «لَيْسَتْ أَدْنُكُمْ»
- ۴- مرد باید در طول شبانه روز، اوقاتی را به همسر خود اختصاص دهد. «ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ»
- ۵- حتی فرزندان نابالغ باید احکام خانواده را بدانند و مراعات کنند. لَيْسَتْ أَدْنُكُمْ... الَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ
- ۶- اسلام دین زندگی است و از جامعیت کاملی برخوردار است. هم برای مسایل مهم مانند تشکیل حکومت جهانی (که در آیه ۵۵ آمده است) طرح و برنامه دارد. و هم برای مسائل جزئی مانند ورود کودک به اتاق والدین. لَيْسَتْ أَدْنُكُمْ... الَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ
- ۷- کودکان باید پاکدامنی را از محیط خانه بیاموزند. «لَيْسَتْ أَدْنُكُمْ»
- ۸- تربیت و آموختن آداب اسلامی را قبل از بلوغ کودکان شروع کنیم. «الَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ»
- ۹- لباس کار و لباس بیرون را باید در خانه کنار گذاشت. «تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ»
- ۱۰- استراحت بعد از ظهر و در میان ساعات کار، مفید و مناسب است. «تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ»
- ۱۱- تنظیم وقت، در زندگی مسلمانان باید بر اساس اوقات نماز صورت گیرد. «قَبْلَ صَلَاةِ الْفَجْرِ - بَعْدَ صَلَاةِ الْعِشَاءِ»
- ۱۲- تمام احکام الهی بر اساس علم و حکمت است. «عَلِيمٌ حَكِيمٌ»

۱۵- دادگاه خانواده

وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا^۱

و اگر از (ناسازگاری و) جدایی میان آن دو (زن و شوهر) بیم داشتید، پس داوری از خانواده‌ی شوهر، و داوری از خانواده‌ی زن برگزینید (تا به اختلاف آن دو رسیدگی کنند) اگر این دو بنای اصلاح داشته باشند خداوند میان آن دو را به توافق می‌رساند، زیرا خداوند، (از نیات همه) با خبر و آگاه است.

نکته‌ها:

این آیه، برای رفع اختلاف میان زن و شوهر، و پیشگیری از وقوع طلاق، یک دادگاه خانوادگی را با امتیازات زیر مطرح می‌کند:

۱- داوران، از هردو فامیل باشند تا سوز، تعهد و خیرخواهی بیشتری داشته باشند.

۲- این دادگاه، نیاز به بودجه ندارد.

۳- رسیدگی به اختلافات در این دادگاه، سریع، بدون تراکم پرونده و مشکلات کار اداری است.

۴- اسرار دادگاه به غریبه‌ها نمی‌رسد و مسائل اختلافی در میان خودشان می‌ماند.

۵- چون داوران از خود فامیلند، مورد اعتماد طرفین می‌باشند.

برای حل همه مشکلات، انتخاب داور جایز است. امام باقر علیه السلام در پاسخ اعتراضی که به پذیرش حکمیت در صفین برای حضرت علی علیه السلام بود این آیه را تلاوت فرمودند.^۲

^۱ نسا، ۳۵.

^۲ تفسیر نورالثقلین و احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۵۸.

از امام صادق علیه السلام درباره‌ی فَاْبَعْتُوْا حَكَمًا ... سؤال شد، حضرت فرمود: حکمین نمی‌توانند به طلاق وجدایی حکم کنند، مگر آنکه از طرفین اجازه داشته باشند!

پیام‌ها:

۱- علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد. نگرانی از شقاق و جدایی کافی است تا اقدام به گزینش داوران شود. «إِنْ خِفْتُمْ»

۲- قبل از نگرانی از شقاق، در زندگی مردم دخالت نکنیم. «وَ إِنْ خِفْتُمْ»

۳- طلاق و جدایی، سزاوار ترس و نگرانی است. «خِفْتُمْ شِقَاقَ»

۴- زن و شوهر، یک روح در دو پیکرند. کلمه «شِقَاقَ» در جایی بکار می‌رود که یک حقیقت به دو قسمت تقسیم شود.

۵- اقدام برای اصلاح میان زن و شوهر باید سریع باشد. حرف «فاء» در جمله «فَاْبَعْتُوْا» برای تسریع است.

۶- جامعه در برابر اختلافات خانواده‌ها، مسئولیت دارد. «وَ إِنْ خِفْتُمْ ... فَاْبَعْتُوْا»

۷- بستگان، در رفع اختلاف خانوادگی، مسئولیت بیشتری دارند. «مِنْ أَهْلِهِ ... مِنْ أَهْلِهَا»

۸- زن و مرد در انتخاب داور، حق یکسان دارند. «حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَ حَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا»

۹- در جامعه به افرادی اعتماد کنیم و داوری آنان را بپذیریم. فَاْبَعْتُوْا حَكَمًا ...

۱۰- مشکلات مردم را با کمک خود مردم حل کنیم. «فَاْبَعْتُوْا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ»

۱۱- از آشتی دادن ناامید و مأیوس و نسبت به آن بی‌تفاوت نباشیم. «فَاْبَعْتُوْا»

۱۲- بیش از نگرانی، موج ایجاد نکنیم، یک داور برای هر یک کافی است. «حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَ حَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا»

۱۳- اسلام به مسائل شورایی و کدخدامنشی توجه دارد. حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَ ... أَهْلِهَا

^۱ کافی، ج ۶، ص ۱۴۶.

- ۱۴- همه مسائل را به قاضی و دادگاه نکشانید، خودتان درون گروهی حل کنید. «فَأْبَعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ»
- ۱۵- هر جا سخن از حق و حقوق است، طرفین باید حضور داشته باشند. «حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَ حَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا»
- ۱۶- باید زن و شوهر، داوری داوران انتخاب شده را بپذیرند. (لازمه انتخاب داور، اطاعت از حکم اوست.)
- ۱۷- در انتخاب داور باید به آگاهی، رازداری و اصلاح طلبی آنان توجه کرد. «إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا»
- ۱۸- هر جا حسن نیت و بنای اصلاح باشد، توفیق الهی هم سرازیر می شود. «إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوقِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا»
- ۱۹- دلها بدست خداست. «يُوقِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا»
- ۲۰- به عقل و تدبیر خود مغرور نشوید، توفیق را از خداوند بدانید. «يُوقِّقِ اللَّهُ»
- ۲۱- طرح قرآن برای اصلاح خانواده برخاسته از علم و حکمت الهی است. «عَلِيمًا خَبِيرًا»
- ۲۲- باید حسن نیت داشت، چرا که خداوند، به انگیزه های همه آگاه است. «إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا»



۱۶- نجات خانواده از آتش جهنم

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن مردمان (گنجهکار) و سنگ‌ها هستند، حفظ کنید. آتشی که بر آن فرشتگانی درشت خو و سخت گیر نگاهبانند و خدا را در آنچه فرمانشان دهد، نافرمانی نکنند و آنچه را فرمان یابند انجام دهند.

نکته‌ها:

«وقود» به معنای ماده اشتعال زاست، همچون نفت و زغال سنگ. لذا برخی مفسران، مراد از «الْحِجَارَةُ» را مواردی همچون زغال سنگ دانسته‌اند. در حدیث می‌خوانیم: سنگ آتش‌زا، همان کبریت و گوگرد است.^۲

در روایات آمده است که جوانی با شنیدن این آیه بر زمین افتاد و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به او وعده بهشت داد و فرمود: «ذَلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَ خَافَ وَعِيدِي» بهشت مخصوص کسانی است که از مقام من پروا داشته و از وعده‌های عذاب من بترسند.

در روایات می‌خوانیم که شیوه حفظ بستگان از آتش دوزخ، امر به معروف و نهی از منکر آنان است که اگر قبول کردند، آنان را از آتش حفظ کرده‌ای و اگر نپذیرفتند، تو به وظایف عمل کرده‌ای. «ان اطاعوك كنت قد وقيتهم و ان عصوك قد قضيت ما عليكم»

در روایتی می‌خوانیم: «رحم الله رجلا قال يا اهلا! صلاتكم صيامكم زكاتكم مسكينكم يتيمكم جيرانكم» رحمت خدا بر کسی که به خانواده‌اش هشدار دهد که مراقب نماز و روزه و زکات و فقرا و ایتام و همسایگانان باشید.

شاید «وَقُودُهَا النَّاسُ»، اشاره به تجسم عمل انسان در قیامت باشد که خصلت‌ها و اعمال زشت او در دنیا، در آن روز آتش‌گیره می‌شود.

^۱ تحریم، ۶.

^۲ بحار، ج ۱۷، ص ۳۶۴.

^۳ ابراهیم، ۱۴.

^۴ تفسیر نور الثقلین.

مسئولیت انسان در برابر خانواده:

در آیات متعددی از قرآن به رسالت انسان در برابر خانواده‌اش اشاره شده است، از جمله:

«قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا»

«وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا» اهل خود را به نماز فرمان ده و بر آن پایداری کن.

«وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» نزدیک‌ترین بستگانت را هشدار ده.

«يَا بَنِيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ» فرزندانم! نماز به پا دار و امر به معروف کن.

«قُلْ لِّلزَّوْجِکَ وَ بَنَاتِکَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِینَ» ای پیامبر! به زنان و دختران خود و سپس زنان مؤمنان بگو ...

«إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَ أَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» زیانکاران واقعی کسانی هستند که خود و خانواده‌شان در قیامت باختند.

«إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِیْ أَهْلِینَا مُشْفِقِینَ» مردان خدا در مورد خانواده دغدغه دارند و بی تفاوت نیستند.

«وَ كَانَ یَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ» پیامبر، همواره خانواده‌اش را به نماز سفارش می‌کرد.

در روایات نیز توجه بسیاری به این موضوع شده که چند نمونه‌ای ذکر می‌شود:

^۱ تحریم، ۶.

^۲ طه، ۱۳۲.

^۳ شعراء، ۲۱۴.

^۴ لقمان، ۱۷.

^۵ احزاب، ۵۹.

^۶ زمر، ۱۵.

^۷ طور، ۲۶.

^۸ مریم، ۵۵.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «علموا انفسکم و اهلیکم الخیر و ادبوهم» به خود و خانواده‌تان خیر بیاموزید و آنان را ادب کنید.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیتہ ... الرجل راع علی اهل بیتہ ... فالمرئۃ راعیۃ علی اهل بیت بعلها و ولده آهمه شما نسبت به زیر دست خود مسئول هستید. مرد، مسئول خانواده‌اش، زن مسئول شوهر و فرزندش است.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مروا صبیانکم بالصلاة اذا بلغوا سبع سنین و اضربوهم علی ترکها اذا بلغوا تسعا و فرقوا بینهم فی المضاجع اذا بلغوا عشرا» همین که فرزندان به هفت سالگی رسید، آنان را به نماز فرمان دهید و همین که نه ساله شدند، سخت‌گیری تا مرز تنبیه بدنی مانعی ندارد و بستر و رختخواب آنان را در ده سالگی جدا کنید.

قرآن در سوره مدثر، تعداد فرشتگان دوزخ را نوزده نفر می‌داند: «عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ» و شاید وصف «غِلَظٌ شِدَادٌ» در این آیه (۶ تحریم)، حالات همان نوزده فرشته باشد.

شاید مراد از «لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ»، همان فرمان خداوند نسبت به گرفتن و بستن و در آتش انداختن دوزخیان باشد که در جای دیگر می‌خوانیم. «خُذُوهُ فَغُلُّوهُ ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ» و یا «خُذُوهُ فَاعْتَلُوهُ إِلَى سَوَاءِ الْجَحِيمِ ثُمَّ صَبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ»

چون در میان فرشتگان نیز سلسله مراتب وجود دارد، «وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ» شاید مراد از «يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» همان فرمان‌هایی باشد که فرشتگان برتر به فرشتگان تحت امر خود می‌دهند، آنان نیز بدون چون و چرا اطاعت می‌کنند.

^۱ تفسیر مراغی.

^۲ مجموعه و رام، ج ۱، ص ۶.

^۳ بحار، ج ۸۵، ص ۱۳۴.

^۴ مدثر، ۳۰.

^۵ حاقه، ۳۰-۳۱.

^۶ دخان، ۴۷-۴۸.

^۷ صافات، ۱۶۴.

هم خودتان را حفظ کنید، «قُوا أَنْفُسَكُمْ» و هم از خداوند بخواهید شما را حفظ کند. رَبَّنَا ... قِنَا عَذَابَ النَّارِ^۱

پیام‌ها:

۱- ایمان داشتن کافی نیست، حفظ آن از خطرات و آسیب‌ها مهم است. پس باید مراقبت کرد. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ»

۲- اولین گام در اصلاحات، اصلاح خود و بستگان و سپس اصلاح جامعه است.

در این آیه، اصلاح خود و بستگان و سپس در آیه نهم، اصلاح جامعه از طریق جهاد با کفار و منافقان آمده است. «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ»

۳- ایمان به معاد و دوزخ، نقش مهمی در ایجاد تقوا و اصلاح خود و دیگران دارد. «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَاراً وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ»

۴- تربیت دینی فرزندان، بر عهده مدیر خانواده است. «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَاراً»

۵- نفس انسان، سرکش است و نیاز به حفاظت دارد. «قُوا أَنْفُسَكُمْ»

۶- اولی‌ترین فرد به حفظ انسان، خود انسان است. «قُوا أَنْفُسَكُمْ»

۷- تا زنجیر از پای خود باز نکنیم، نمی‌توانیم دیگران را آزاد کنیم. خودسازی شرط موفقیت در ساختن خانواده و جامعه است. «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ»

۸- کیفر رها کردن خانواده و نزدیکان، هیزم آتش دوزخ شدن است. «وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ»

۹- کسانی که در دنیا سنگدل باشند، «فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً» در آن روز نیز در ردیف سنگ قرار می‌گیرند. «وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ»

۱۰- در مدیریت، مسئول هر کار باید با آن کار سنخیت داشته باشد. اگر مسئول دوزخ، غلاظ و شداد نباشد، یا خودش اذیت می‌شود و یا به رسالت خود درست عمل نمی‌کند. «عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَظٌ شِدَادٌ»

^۱ بقره، ۲۰۱

۱۱- گرچه انسان معصیت کار به دوزخ می‌رود، اما فرشتگان دوزخ، در عذاب کردن او معصیت خدا را نخواهند کرد. «لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ»

۱۲- فرشتگان، نه دستورات گذشته را تمرد کرده و می‌کنند، «ما أَمَرَهُمْ» نه دستوراتی که بعداً به آنان داده می‌شود. «ما يُؤْمَرُونَ»



bache-konkoori.blogfa.com

۱۷- اهتمام به تقوامداری همسر و فرزندان

وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا^۱

و کسانی اند که می گویند: پروردگارا! به ما از ناحیه‌ی همسران و فرزندانمان مایه‌ی روشنی چشم عطا کن و ما را پیشوای پرهیزگاران قرار ده.

نکته‌ها:

ایمان باید بر اساس آگاهی و بصیرت باشد. در قرآن می‌خوانیم: «وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا» یعنی مؤمنان خردمند، ابتدا در آفرینش آسمان‌ها و زمین فکر می‌کنند، سپس اقرار می‌نمایند که پروردگارا! تو اینها را بیهوده نیافریدی. در این آیه نیز می‌فرماید: مؤمنان، چشم و گوش بسته عبادت نمی‌کنند.

پیام‌ها:

۱- تعبّد و بصیرت، از اوصاف عباد الرحمن است. إِذَا ذُكِّرُوا ... لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَ عُمِيَانًا بندگان رحمن، آگاهانه به سراغ دین می‌روند.

۲- انسان در برابر همسر و فرزند و نسل خود متعهد است و باید برای عاقبت نیکوی آنها تلاش و دعا کند. رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا ...

۳- در تربیت علاوه بر علم و تلاش باید از خدا نیز کمک خواست. رَبَّنَا هَبْ لَنَا ...

۴- فرزند صالح، نور چشم است. «قُرَّةَ أَعْيُنٍ»

۵- تشکیل خانواده و داشتن همسر و فرزند و دعا برای بدست آوردن آنها، مورد توجه اسلام است. رَبَّنَا هَبْ لَنَا ...

۶- در دست گرفتن مدیریت جامعه، آرزوی عباد الرحمن است، زیرا عهده‌دار شدن امامت و رهبری متّقین، ارزش است. «وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا»

^۱ فرقان، ۷۴.

^۲ آل عمران، ۱۹۱.

۷- در دعا به حداقل اکتفا نکنید، بلند همت باشید. «وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا» (خدایا ما را در رسیدن به کمال، رهبر متقین قرار ده، نه آنکه تنها از متقین باشیم)

۸- بندگان خدا، وحدت هدف و وحدت کلمه دارند. «إِمَامًا» و نفرمود: «ائمه».

(ممکن است کلمه «امام» به جای «ائمه»، رمز آن باشد که در جامعه اسلامی رهبر باید یک نفر باشد)



۱۸- تربیت صحیح فرزند

وَ إِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَ هُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ^۱

و (یاد کن) زمانی که لقمان به پسرش در حال موعظه‌ی او گفت: فرزندم! چیزی را همتای خدا قرار نده، زیرا که شرک (به خدا)، قطعاً ستمی بزرگ است.

نکته‌ها:

موعظه، یکی از راه‌های دعوت به حق است و هیچ کس از آن بی‌نیاز نیست. یکی از نام‌های قرآن، موعظه است. «قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ» و در کتاب‌های حدیث، فصلی مخصوص موعظه به چشم می‌خورد.

در برخی روایات آمده است: گاهی پیامبر صلی الله علیه و آله به جبرئیل می‌فرمود: «مرا موعظه کن». حضرت علی علیه السلام نیز گاهی به بعضی از یارانش می‌فرمود: «مرا موعظه کن، زیرا در شنیدن اثری است که در دانستن نیست».

پیام‌ها:

- ۱- شیوه‌های تربیت فرزند را از بزرگان بیاموزیم. «وَ إِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ»
- ۲- در موعظه باید ابتدا، ذهن و حواس شنونده را به خود متوجه کنیم. «يَا بُنَيَّ»
- ۳- موعظه باید بر اساس حکمت باشد. وَ لَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ ... وَ هُوَ يَعِظُهُ
- ۴- فرزند، به نصیحت نیاز دارد. از فرزندانمان غافل نشویم. «قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ»
- ۵- در تبلیغ، ابتدا از نزدیکان خود شروع کنیم. «قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ»
- ۶- از بهترین راه‌های تربیت صحیح فرزند، گفتگوی صمیمی با اوست. «وَ هُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ»

^۱ لقمان، ۱۳.

^۲ یونس، ۵۷.

^۳ موعظ صدوق، ص ۹۲.

^۴ ده گفتار، شهید مطهری، ص ۲۲۴.

- ۷- از رسالت‌های پدر نسبت به فرزند، موعظه است. «قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَ هُوَ يَعِظُهُ»
- ۸- با نوجوان باید با زبان موعظه سخن گفت، نه سرزنش. «وَ هُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ»
- ۹- موعظه باید با محبت و عاطفه همراه باشد. «يَا بُنَيَّ»
- ۱۰- یکی از شرایط تأثیر موعظه، احترام و شخصیت دادن به طرف مقابل است. «يَا بُنَيَّ»
- ۱۱- در ارشاد و موعظه، مسایل اصلی را در اولویت قرار دهیم. يَعِظُهُ ... لَا تُشْرِكْ
- ۱۲- مهم‌ترین و محوری‌ترین بُعد حکمت، توحید است. آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ ... قَالَ ... لَا تُشْرِكْ
- ۱۳- شرک، بزرگ‌ترین خطر و اصلی‌ترین مسئله است، در نزد خداوند، همه‌ی دنیا متاع قلیل است، «مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ»، ولی شرک ظلم عظیم است. «لَطَلَمٌ عَظِيمٌ» یعنی اگر همه‌ی دنیا را به کسی بدهند که مشرک شود، نباید بپذیرد.
- ۱۴- مواظ خود را با دلیل و منطق بیان کنیم. لَا تُشْرِكْ ... إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ



۱۹- سفارش لقمان به فرزندش

يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ^۱

فرزندم! نماز را برپا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و بر آنچه از سختی‌ها به تو می‌رسد مقاومت کن که این (صبر) از امور واجب و مهم است.

نکته‌ها:

مراد از «عَزَمَ» در اینجا، یا عزم و اراده‌ی قطعی خداوند بر انجام این امور است و یا لزوم عزم و تصمیم جدی انسان بر انجام آنها.

با این که در قرآن، ۲۸ مورد در کنار نماز از زکات یاد شده؛ اما در این جا کنار نماز امر به معروف ذکر شده است. شاید به خاطر آن که در این آیه مورد خطاب فرزند است و فرزندان معمولاً ثروتی ندارند که زکات بپردازند. «أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ»

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: در مشقت و سختی‌هایی که در راه امر به معروف و نهی از منکر به تو می‌رسد، صبر کن.^۲

صبر، گاهی در برابر مصیبت است، «وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا «وَمَا أَصَابَنَا بِشَيْءٍ وَ مَا نَكُنَّا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ»»^۳ گاهی در برابر انجام وظیفه، «وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ» و گاهی در برابر گناه، چنانکه یوسف در زندان گفت: رَبِّ السِّجْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ ... پروردگارا! زندان نزد من بهتر از ارتکاب گناهی است که مرا به آن می‌خوانند، تا آنجا که فرمود: «إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَ يَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ»^۴

پیام‌ها:

۱- یکی از وظایف والدین نسبت به فرزندان، سفارش به نماز است. «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ»

^۱ لقمان، ۱۷.

^۲ تفسیر مجمع‌البیان.

^۳ بقره، ۱۵۶-۱۵۵.

^۴ یوسف، ۹۰.

- ۲- پاکسازی درونی را با دوری از شرک و بازسازی روحی را با نماز آغاز کنیم. لا تُشْرِكْ ... أَقِمِ الصَّلَاةَ
- ۳- وجوب امر به معروف و نماز، مخصوص دین اسلام نیست. (قبل از اسلام نیز، لقمان سفارش به نماز کرده است) «يَا بَنِيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ»
- ۴- فرزندان خود را از طریق سفارش به نماز، مؤمن و خدایی، و از طریق سفارش به امر به معروف و نهی از منکر، افرادی مسئول و اجتماعی تربیت کنیم. «يَا بَنِيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ»
- ۵- آگاهی فرزندان خود را به قدری بالا ببریم که معروف‌ها و منکرها را بشناسند تا بتوانند امر و نهی کنند. «يَا بَنِيَّ - وَ أْمُرْ - وَ أَنَّهُ»
- ۶- بعد از توجه به مبدأ و معاد، مهم‌ترین عمل، نماز است. «أَقِمِ الصَّلَاةَ»
- ۷- کسی که می‌خواهد در جامعه امر و نهی کند و قهراً با هوس‌های مردم درگیر شود، باید به وسیله‌ی نماز خودسازی و خود را از ایمان سیراب کند. «أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ»
- ۸- فرزندان خود را امر به معروف و نهی از منکر بار آوریم. وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ ...
- ۹- امر به معروف، همیشه قبل از نهی از منکر است. «وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنَّهُ عَنِ الْمُنْكَرِ» رشد معروف‌ها در جامعه، مانع بروز بسیاری از منکرات می‌گردد.
- ۱۰- در مسیر حق بودن کافی نیست، لازم است دیگران را نیز به مسیر حق دعوت کنیم. «وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ» چنانکه در سوره عصر می‌خوانیم: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ تَوَّصُوا بِالْحَقِّ»
- ۱۱- در تبلیغ دین و اجرای فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر، باید صبر و سعه‌ی صدر داشته باشیم. «وَ أَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ» نهی از منکر، با تلخی‌ها و نیش‌زدن‌های گناهکاران همراه است، مبدا عقبنشینی کنیم.
- ۱۲- پدر حکیم، رسیدن سختی به فرزندش را می‌پذیرد و فرمان صبر می‌دهد، ولی ضربه به مکتبش را که سکوت در برابر فساد باشد، هرگز. «وَ أَنَّهُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ»
- ۱۳- امر به معروف و نهی از منکر از مسایل مهم است و صبر در برابر آنچه در این راه به انسان می‌رسد ارزش دارد. «إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ»

۲۰- احترام والدین

وَصَيَّنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالَهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ^۱

و ما انسان را درباره‌ی پدر و مادرش سفارش کردیم، مادرش او را حمل کرد، در حالی که هر روز ناتوان تر می شد، (و شیر دادن) و از شیر گرفتنش در دو سال است، (به او سفارش کردیم که) برای من و پدر و مادرت سپاس گزار، که بازگشت (همه) فقط به سوی من است.

نکته‌ها:

کلمه‌ی «وَهْنٍ»، به معنای ضعف جسمانی است، چنانکه «توهین» به معنای تضعیف شخصیت است.

دایره‌ی احسان، گسترده‌تر از انفاق است. احسان، شامل هر نوع محبت و خدمت می‌شود، ولی انفاق معمولاً در کمک‌های مالی به کار می‌رود. در قرآن کریم، احسان به والدین در کنار توحید مطرح شده است. «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»

در آیه مورد بحث، ابتدا درباره‌ی نیکی به والدین سفارش شده، سپس به دوران بارداری مادر اشاره کرده تا وجدان اخلاقی انسان را تحریک و بیدار کند و به او تذکر دهد که گذشته‌ها را فراموش نکند. همواره به یاد داشته باشد که مادرش او را حمل کرد و از شیرهی

جاننش به او داد و به خاطر آسایش او از خواب و خوراک خود صرف نظر کرد که هیچ کس حاضر نبود چنین زحمت‌هایی را تحمل کند. چون حق مادر بیشتر در معرض تضییع است و یا حق او بیش از پدر است، خداوند سفارش مخصوص نموده است.

والدین و فرزند، حقوق متقابل دارند، در آیه‌ی قبل موعظه پدر نسبت به فرزند مطرح شد، و در این آیه احسان و سپاس فرزند نسبت به والدین.

پیام‌ها:

^۱ لقمان، ۱۴.

^۲ اسراء، ۲۳.

- ۱- از سخن حق پیروی کنیم، چه موعظه‌ی بنده‌ی خدا باشد، «لُقْمَانُ» و چه وصیت خداوند سبحان. «وَصَيَّنَا»
- ۲- همه‌ی انسان‌ها، در هر رتبه و شرایطی که باشند مدیون والدین هستند. «وَصَيَّنَا الْإِنْسَانَ» («الْإِنْسَانَ»، شامل همه‌ی مردم می‌شود)
- ۳- احترام والدین، حقی است انسانی نه فقط اسلامی، حتی والدین کافر را باید احسان نمود. «وَصَيَّنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ»
- ۴- آن که زحمت بیشتری می‌کشد، باید به صورت ویژه تقدیر شود و نامش جداگانه برده شود. «بِوَالِدَيْهِ- أُمَّهُ»
- ۵- در فرمان‌های عمومی، باید استدلال نیز عام باشد. (چون مخاطب، همه انسان‌ها هستند، بارداری مادران مطرح است که مربوط به همه‌ی مردم است و هر انسانی مادر دارد). «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ»
- ۶- به بهانه آن که کاری، وظیفه‌ی طبیعی فردی است، نباید از سپاس و احسان او، شانه خالی کنیم. (بارداری، امری طبیعی است، ولی ما مسئولیت داریم که به مادر احترام گذاریم و از زحمات او قدردانی کنیم). «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ»
- ۷- یادی از گذشته‌ها کنیم تا روحیه‌ی شکرگزاری در ما زنده شود. «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ»
- ۸- دوران بارداری و شیردادن، از عوامل پدیدآورنده‌ی حقوق مادر بر فرزند و مهم‌ترین دوران شکل‌گیری شخصیت فرزند است. «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ ... وَفِصَالَهُ»
- ۹- جدا کردن کودک از شیر می‌تواند در خلال دو سال باشد و واجب نیست بعد از پایان دو سال باشد. (کلمه‌ی «فصال»، به معنای بازگرفتن کودک از شیر است و «فِي عَامَيْنِ»، نشان آن است که در لابلای دو سال نیز می‌توان کودک را از شیر گرفت، گرچه بهتر است دو سال تمام شود).
- ۱۰- تحمّل سختی در راه انجام وظیفه، سرچشمه‌ی پیدایش حقوق فوق‌العاده است. کسانی که با وجود ضعف و خستگی بار مسئولیتی را بر دوش می‌کشند، حق بیشتری بر انسان دارند. «وَهُنَّ عَلَى وَهْنٍ»
- ۱۱- سپاسگزاری از والدین، از جایگاه والایی نزد خداوند برخوردار است. «أَنْ اشْكُرْ لِي وَ لِوَالِدَيْكَ» بعد از شکر خداوند، تشکر از والدین مطرح است.
- ۱۲- سرانجام همه‌ی ما به سوی خداست، پس از ناسپاسی نسبت به والدین بترسیم. «إِلَى الْمَصِيرِ»
- ۱۳- ایمان به رستاخیز، انگیزه‌ی عمل صالح از جمله احسان به والدین است. «إِلَى الْمَصِيرِ»

۱۴- حقّ خداوند، بر حقّ والدین مقدّم است. «أَنْ اشْكُرْ لِي وَ لِوَالِدَيْكَ» تشکر و احسان به والدین، ما را از خداوند غافل نکند.

احسان به والدین

در آیه‌های ۸۳ سوره بقره، ۳۶ سوره نساء، ۱۵۱ سوره انعام و ۲۳ سوره اسراء در رابطه با احسان به والدین سفارش شده، ولی در سوره لقمان، احسان به والدین به صورت وصیّت الهی مطرح شده است.

در موارد متعدّدی از قرآن، تشکر از والدین در کنار تشکر از خدا مطرح شده و در بعضی موارد نیز به زحمات طاقت فرسای مادر اشاره شده است.

جایگاه والدین به قدری بلند است که در آیه‌ی بعد می‌فرماید: اگر والدین تلاش کردند تو را به سوی شرک گرایش دهند، از آنان اطاعت نکن، ولی باز هم رفتار نیکوی خود را با آنان قطع

نکن. یعنی حتی در مواردی که نباید از آنان اطاعت کرد، نباید آنها را ترک کرد.

آری، احترام به والدین از حقوق انسانی است، نه از حقوق اسلامی، از حقوق دائمی است، نه از حقوق موسمی و موقت.

در روایات می‌خوانیم که احسان به والدین در همه حال لازم است، خوب باشند یا بد، زنده باشند یا مرده.

پیامبر را دیدند که از خواهر رضاعی خود بیش از برادر رضاعی‌اش احترام می‌گیرد، دلیل آن را پرسیدند، حضرت فرمود: «چون این خواهر بیشتر به والدینش احترام می‌گذارد».

در قرآن می‌خوانیم که حضرت یحیی و حضرت عیسی علیهما السلام هر دو مأمور بودند به مادران خویش احترام گذارند.^۲

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «بعد از نماز اوّل وقت، کاری بهتر از احترام به والدین نیست».

^۱ کافی، ج ۲، ص ۱۶۱.

^۲ مریم، ۱۴ و ۳۲.

^۳ میزان الحکمه.

در کربلا، پدری را شهید کردند و فرزندش به یاری امام برخواست. امام حسین علیه السلام به فرزند فرمود: «برگرد، زیرا مادرت داغ شوهر دیده و شاید تحمل داغ تو را نداشته باشد. جوان گفت: مادرم مرا به میدان فرستاده است.»

گستره‌ی معنای والدین

در فرهنگ اسلام، به رهبر آسمانی، معلّم و مربّی و پدرِ همسر نیز پدر گفته می‌شود.

در روزهای پایانی عمر پیامبر که حضرت در بستر بیماری بودند، به علی علیه السلام فرمودند: به میان مردم برو و با صدای بلند بگو:

لعنت خدا بر هر کس که عاقّ والدین باشد،

لعنت خدا بر هر برده‌ای که از مولایش بگریزد،

لعنت خدا بر هر کسی که حقّ اجیر و کارگر را ندهد.

حضرت علی علیه السلام آمد و در میان مردم این جملات را گفت و برگشت. بعضی از اصحاب این

پیام را ساده پنداشتند و پرسیدند: ما درباره‌ی احترام به والدین و مولا و اجیر قبلاً این گونه سخنان را شنیده بودیم، این پیام تازه‌ای نبود که پیامبر از بستر بیماری برای ما بفرستد.

حضرت که متوجّه شد مردم عمق پیام او را درک نکرده‌اند، بار دیگر علی علیه السلام را فرستاد و فرمود: به مردم بگو:

مُرادم از عاقّ والدین، عاق کردن رهبر آسمانی است. یا علی! من و تو پدر این امت هستیم و کسی که از ما اطاعت نکند عاقّ ما می‌شود.

من و تو مولای این مردم هستیم و کسانی که از ما فرار کنند، مورد قهر خدا هستند.

من و تو برای هدایت این مردم اجیر شده‌ایم و کسانی که حقّ اجیر را ندهند، مورد لعنت خدا هستند.

^۱ اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۰۷.

در این ماجرا ملاحظه می‌فرمایید که گرچه احسان و اطاعت از والدین یک معنای معروف و رسمی دارد، ولی در فرهنگ اسلام مسأله از این گسترده‌تر است.

